

خضر (ع) در باورهای ساکنان منطقه خلیج فارس

گلفام شریفی*

اشاره

خضر یکی از برجسته‌ترین قهرمانان فرهنگی-دینی در داستان‌های شفاهی مردم ایران است. این شخصیت نامیرا با عنصر مقدس آب - که نماد حیات‌بخشی است - ارتباطی نزدیک دارد و نام او در نقاط مختلف ایران با آب و آیین‌های مربوط به آن پیوند دارد. از این رو بر بسیاری از چشمه‌ها نام خضر نهاده شده است. بسیاری از مردمان ایران معتقدند خضر بر روی دریاها سفر می‌کند و راهنمای دریانوردان، صیادان و مغروقان است؛ به‌همین دلیل در کناره‌های دریا، زیارتگاه‌ها و بناهای یادبودی از او ساخته‌اند، و ملوانان هنگامی که گرفتار طوفان می‌شوند به خضر پناه می‌برند. همچنین معتقدند که او گاه بر پوستینی سپید می‌نشیند، چون برمی‌خیزد سبزه در آنجا رسته است. از این‌رو، خضر دو نماد برجسته دارد: ماهی و سبزه. خضر و الیاس در داستان‌ها غالباً در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و کارکرد آیینی مشابهی دارند؛ از این‌رو، در بیشتر نقاط ایران، در کنار زیارتگاه‌های خضر، زیارتگاه الیاس نیز بنا شده است. در این پژوهش سعی شده است تا جایگاه خضر در میان باورهای ایرانیان ساکن منطقه خلیج فارس مورد بررسی قرار گیرد و به چند زیارتگاه که در این نواحی برای خضر و الیاس نبی ساخته شده اشاره شود.

کلیدواژه‌ها: خضر، آب، الیاس، دریا، زیارتگاه، آب حیات

* عضو هیئت علمی پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری تهران.

مقدمه

میل به جاودانه ماندن و هراس از نیستی، همواره آدمی را بر آن داشته است که در داستان‌ها راهی به سوی نامیرایی بگشاید. این اندیشه از دیرباز در ایران نیز وجود داشته است. پهلوانانی چون توس و فربرز و گیو، و پادشاهی چون کیخسرو در اساطیر ایران نمی‌میرند و تنها از نظرها ناپدید می‌شوند (آموزگار، ۱۳۷۴: ۶۵-۶۷).

پیوند آب و حیات و بی‌مرگی از جمله مهم‌ترین باورهای مردم در حوزه فرهنگی ایران است و شاید بتوان این باور را در شمار فرهنگ جهانی انسان دانست (میرشکرای، ۱۳۷۱: ۲۲۳). در داستان بابلی گیلگمش گفت‌وگو از گیاهی است که با خوردن آن می‌توان به بی‌مرگی دست یافت. قضیه آب حیات نیز نخستین بار در قصه «اسکندر» آمده است که فنیقیان بدان پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد اندیشه رویین‌تن شدن اسفندیار با آب نیز، در ارتباط با مسئله آب حیات و جاودانگی باشد (یاحقی، ۱۳۷۵: ۳۰). زردشتیان بر این باورند که نطفه موعودهای زردشت در آب دریاچه کیانسه (هامون) نگهداری می‌شود و به ایزد اردویسور اناهی‌تا سپرده شده است (آموزگار، ۱۳۷۴: ۷۶-۸۱).

بدین ترتیب باور به نوشیدن آب حیات — که الگوی اصلی همه آب‌ها است — و جاودانه زیستن در فرهنگ ایرانی شکل گرفت و از شخصیت‌هایی سخن به میان آمد که از این آب نوشیدند و به بی‌مرگی دست یافتند. ایرانیان مسلمان بر این باورند که خضر نبی (ع) از آب حیات نوشیده و همیشه زنده است (یاحقی، ۱۳۷۵: ۲۹) و نیز میرشکرای، (۱۳۷۱: ۲۲۳).

طبری روایت می‌کند که خضر در دوران فریدون شاه می‌زیست و به قولی جزو همراهان ذوالقرنین بزرگ بود که در ایام ابراهیم خلیل الله (ع) می‌زیست (طبری ۱۳۵۲: ۲۵۶). ابن‌اثیر نیز همین قول را در کتاب *الکامل فی التاریخ* آورده است (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۱۶۰-۱۶۳). برخی گفته‌اند که خضر ایرانی است و پیر دریانوردان؛ او در هنگام طوفان بر دریا ظاهر می‌شود. گاه بر پوستینی سپید می‌نشیند، چون برمی‌خیزد سبزه در آنجا رسته است. وی پیری عارف است که بر باطن امور آگاه است و دو نماد برجسته دارد: ماهی و سبزه (کیا، ۱۳۷۵: ۱۱۱).

در ابتدای این پژوهش به جایگاه خضر در روایات اسلامی و برخی حوزه‌های

فرهنگی ایران اشاره می‌شود، اما در بخش اصلی، باورهای مردم منطقه خلیج فارس مورد بررسی قرار می‌گیرد.

خضر نبی در روایات اسلامی

خضر بر افراد خاصی ظاهر می‌شود. درباره ملاقات او با انبیا و اولیا روایاتی نقل شده است. هرچند نام خضر در قرآن مجید نیامده است اما بسیاری از مفسران آیات ۶۵-۸۲ سوره کهف را مربوط به او دانسته‌اند (سورآبادی، ۱۳۴۷: ۲۱۱ و ۲۲۰).

موسی (ع) از خداوند پرسید از وی عالم‌تر کیست؟ و خداوند پاسخ داد خضر از تو عالم‌تر است و در ساحل دریا به سر می‌برد و علامت او ماهی است. پس از آن، موسی (ع) و یوشع (ع) در جست‌وجوی خضر به مجمع‌البحرین رسیدند، قطره‌ای آب حیات بر لب ماهی بریان یوشع چکید و به فرمان خداوند زنده شد. موسی (ع) و یوشع (ع) به دنبال ماهی به دریا فرو رفتند و خضر را یافتند. هنگامی که موسی (ع) از مجمع‌البحرین بازگشت، خضر نبی را در حال نماز یافت و با وی هم‌سفر شد. خضر در این سفر با سوراخ کردن کشتی و کشتن یک کودک و تعمیر دیواری ویران، اعتراض موسی (ع) را برانگیخت و پس از آنکه علت کارهای خویش را برشمرد، از برابر دیدگان او پنهان گشت (ابوالفتوح رازی، ۱۳۱۳: ۴۳۳-۴۴۳).

حاج شیخ عباس قمی به نقل از شیخ بهایی روایت می‌کند روزی حارث بن عبدالله الاعور الهمدانی، حضرت علی (ع) را با خضر (ع) در نخلستانی مشاهده نمود که از آسمان طبق رطبی بر ایشان نازل شد و هر دو نفر از آن رطب خوردند (دانشور، ۱۳۷۵: ۳۵-۳۶).

شیخ حسن بن مثله جمکرانی در رمضان ۳۹۳ق در مکانی که اکنون مسجد جمکران است، حضرت مهدی صاحب‌الزمان (عج) را به شکل جوانی سی ساله بر روی تخت در کنار پیرمردی دیده است. آن پیرمرد که خضر نبی بوده شیخ را امر به نشستن کرده است (واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۸).

بر اساس اعتقادات رایج میان مسلمانان، هرکه از چشمه «آب حیات» بنوشد یا تن خود را در آن بشوید جاودانه خواهد گشت. اسکندر در پی این آب ناکام ماند، اما خضر نبی از آن نوشید و نامیرا گشت.

در عرفان اسلامی «آب حیات» نزد سالکان به چشمه عشق و محبت الهی تعبیر شده که هر کس از آن بچشد فانی نخواهد شد. شاید به همین دلیل خضر نزد عارفان مرد کامل و ولی الله است و سخنان او به منزله «آب حیات» به شمار می‌آید (یاحق، ۲۹-۳۰).

همراهی خضر و الیاس

در ادبیات و تاریخ نام‌های خضر و الیاس در کنار یکدیگر آمده‌اند. عرفا خضر و الیاس را از اولیا دانسته‌اند و بر این باورند که هر دو زنده‌اند. خضر راهبر مردمان در دریاها و الیاس رهبر ایشان در بیابان‌ها باشد. این دو، سالی یک بار در عرفات به هنگام حج یکدیگر را دیدار کنند (سورآبادی، ۱۳۴۷: ۳۵۹-۳۶۰). برخی الیاس را برادر خضر شمرده‌اند که همراه او موفق به نوشیدن آب حیات گشت (یاحق، ۱۳۷۵: ۱۰۲).

بارزترین وجه تشابه خضر و الیاس در ناپدید شدن و دستیابی به جاودانگی است. هر دو در فضا به پرواز درمی‌آیند و دورکننده نیروهای شیطانی‌اند و به همه زبان‌های عالم تکلم می‌کنند و غذای آنان کرفس و دنبلان زمینی است.

گرچه الیاس همزاد خضر نیست اما در عمل زوج اوست. نام الیاس به «ال آس» تعبیر گشته یعنی گیاه مورد که نماد جاودانگی است. خضر در برخی نوشته‌ها به صورت «ایلیا» ثبت شده است. شاید شباهت نام «ایلیا» با «الیاس» و «الیاس» سبب شده است که شخصیت خضر و الیاس تداخل یابند.

نام این دو در قصه‌های عیاری غالباً کنار یکدیگرند. در اسکندرنامه‌ها، این دو پیر روشن‌بین با هم یا جداگانه در چند صحنه پیدا می‌شوند و اسکندر را در گم‌گشتگی راهبرند. خضر و الیاس در قصه‌های عیاری به نام دین حضور دارند که امری منطقی به نظر می‌آید. اما این پیران در داستانی غیردینی مانند سمک عیار فرستادگان یزدان‌اند و چند بار سمک را از بند دشمن می‌رهانند (کیا، ۱۳۷۵: ۱۱۱-۱۱۳).

نگارنده خود مشاهده کرده در بیشتر نقاط ایران در کنار زیارتگاه‌های خضر، زیارتگاه الیاس بنا نهاده شده است. به احتمال زیاد دلیل این امر این است که هر دو کارکرد آیینی مشابهی دارند.

جایگاه خضر در ادبیات شفاهی مردم ایران

مهم‌ترین ویژگی خضر در تمام حوزه‌های فرهنگی ایران این است که نام او با آب و آیین‌های گوناگون مربوط به آن پیوند می‌یابد، به همین سبب بر بسیاری از چشمه‌ها نام خضر نهاده شده و بر سر در برخی آب‌انبارها نام خضر نقش بسته است (دانشور، ۱۳۷۵: ۴۹). در برخی مناطق نیز باورهای خاصی درباره خضر نبی وجود دارد که در اینجا به برخی از این اعتقادات اشاره می‌کنیم:

تهران: برای احضار خواجه خضر، زن یائسه‌ای باید مدت چهل روز صبح زود دم کوچه را آب و جارو کند و تا بیست روز روزی دو رکعت نماز حاجت دم در بخواند، روز چهارم هنگام طلوع آفتاب که بیرون می‌رود ناگهان خضر را به شکل چوپان یا خرده فروش یا مرد سید یا پیرمرد ریش سفید خواهد دید و حاجتش برآورده خواهد شد (هدایت، ۱۳۵۶: ۳۹).

کرمانشاه: در حوالی کرمانشاه در پارو (Parow) چشمه‌ای است که می‌گویند یک سوی آن سرد و سوی دیگرش گرم است. این چشمه در یک کوه قرار دارد و مردم بر این باورند که خضر نبی در این کوه پنهان شده است و تا روز قیامت در آنجا خواهد ماند (ماسه، ۱۳۵۷: ۴۰۹).

گیلان: در حوزه سپیدرود، گیاهان همیشه سبز و موجوداتی چون کلاغ که عمر زیادی دارند با خصوصیت بی‌مرگی نهفته در آب مربوط می‌شوند. مردم گیلان داستانی درباره کلاغ دارند که مضمون آن چنین است: خضر نبی آب حیات را به کلاغ می‌دهد تا برای امتش ببرد، او در راه روی یک درخت کیش (شمشاد اناری) می‌نشیند و آب را روی سرش می‌ریزد، به همین خاطر کلاغ عمر طولانی دارد و درخت کیش همیشه سرسبز است (میرشکرایی، ۱۳۷۱: ۲۲۳).

خوزستان: قدمگاهی در روستای «طره خضر» بین راه آبادان-چوئبده واقع شده است که از مراکز مهم زیارتی منطقه به شمار می‌آید. خادمان زیارتگاه از روستای طره خضرند که به نوبت هر هفته در این محل خدمتگزاری می‌کنند (تصویر زیر).



آبادان (قدمگاه، طره خضر)



آبادان (قدمگاه خضر نبی، روستای خضر)

حکایت این قدمگاه چنین است: پایین محل قدمگاه دریا بوده و بالای آن شهر بزرگی — شاید آبادان قدیم — قرار داشته است. خضر نبی، یک کشتی در حال غرق شدن را در نزدیکی این محل نجات می‌دهد. صاحب کشتی در این محل می‌خوابد. خضر به خوابش می‌آید. صاحب کشتی از او می‌پرسد که آیا او همان شخص است که کشتی‌اش را نجات داد. خضر پاسخ مثبت می‌دهد و می‌گوید: من نگهدارنده و پاسبان دریاها هستم. هنگامی که صاحب کشتی از خواب بیدار می‌شود، کسی را در آن اطراف نمی‌بیند. او نذر می‌کند در همان محلی که کشتی‌اش نجات یافته زیارتگاه بسازد؛ بنابراین کشتی‌اش را به آب می‌اندازد و به سوی عراق روانه می‌شود. تمام مصالح لازم را بار کشتی می‌کند و از چوب کشتی و مصالح دیگر قدمگاه فعلی را می‌سازد. خادمان می‌گویند در گذشته بر بالای قدمگاه، لنگری بود بدون آنکه به جایی آویزان باشد.

خضر نبی در باورهای مردم آبادان همیشه زنده است و در دریاها به سر می‌برد و ناجی غرق‌شوندگان است (فلسفی میاب با همکاری رضایی و رشوادی، ۱۳۸۰: ۳۱-۳۲). از دیگر اماکن متبرکه مربوط به خضر نبی در استان خوزستان می‌توان به بقعه خواجه خضر در رامهرمز (اتابکی، ۱۳۸۱: ۳۶) و نیز قدمگاه خضر نبی در هویزه از شهرهای مهم دشت آزادگان اشاره کرد. مردم هویزه نیز خضر نبی را زنده و جاوید می‌پندارند و قدمگاهش را صاحب کرامات می‌دانند (طلائیان، ۱۳۷۹: ۱۴).

چاه‌بهار: خواجه خضر نام قدمگاهی در جنوب غربی چاه‌بهار واقع در ساحل دریای عمان^۱ است. مردم منطقه بر این باورند که «خواجه خضر» در سواحل و دریاها زندگی می‌کند و پاسدار دریاها و حامی لنج‌ها و کشتی‌هاست. مردم و به‌ویژه زنان حاجتمند جمعه هر هفته، پای پیاده با سبدی از خرما به زیارتش می‌شتابند و خیرات می‌دهند. ملاحان که از کشتی پیاده می‌شوند در آنجا شمع روشن می‌کنند و برای طلب رزق بیشتر در این محل دعا می‌کنند (گلدی ضمیر، ۵۲-۵۳).

کرمان: عشایر و مردم روستاهای کرمان معتقدند نظر خضر نبی موجب فراوانی گندم و برکت محصول می‌گردد. به جهت رعایت اختصار از ذکر تفصیلی این موارد می‌گذریم (برای اطلاع بیشتر نک به: دانشور، ۱۳۷۵: ۴۸-۴۹).

خضر در باورهای ساکنان منطقه خلیج فارس

شاید هیچ دریای دیگری نباشد که بیش از خلیج فارس توجه باستان‌شناسان، تاریخ‌نگاران، جغرافیدانان، زمین‌شناسان و سیاستمداران را در یک زمان به خود معطوف ساخته باشد. سرگذشت حوادث خلیج فارس به کهن‌ترین زمان‌های تاریخی می‌رسد و ذکر آن در تاریخ مکتوب بشری پیش از دریاهای دیگر آمده است. موقعیت مرکزی آن در یکی از مهم‌ترین جاده‌های میان شرق و غرب، از ابتدای تاریخ اهمیت ویژه‌ای بدان داده است و نوشته‌های بیشماری که به ده‌ها زبان درباره این دریا در دست است، نشان می‌دهد که اروپاییان از دیرزمان نسبت به آن علاقه‌مند بوده‌اند (ویلسن، ۱۳۴۸: ۹).

با وجود اهمیت خاص این منطقه، به نظر می‌رسد تاکنون مطالعات کافی در زمینه مردم‌شناسی و ادبیات شفاهی ساکنان این منطقه صورت نگرفته است. در فرهنگ عامه ساکنان منطقه خلیج فارس باورهای گوناگونی درباره خضر نبی وجود دارد می‌توان خضر را یکی از شخصیت‌های مهم دینی-فرهنگی این منطقه دانست. در ادامه به بررسی نمونه‌هایی از این باورها می‌پردازیم:

بندر عباس: زیارتگاه خضر در بندر عباس شهرت فراوان دارد. در حال حاضر این زیارتگاه در باغ هتل همای بندر عباس در نزدیکی دریا واقع است. زیارت‌نامه خضر نبی در ورودی زیارتگاه گذاشته شده است. در داخل زیارتگاه تمثال‌های حضرت علی(ع)^۱ و امام رضا(ع)^۲ (تصویر ضامن آهو در دشت) زینت‌بخش دیوارها هستند.

مردم منطقه بر این باورند که خضر نبی از اینجا می‌گذرد و بسیار حاجت می‌دهد. هر زمان خضر دعا کند، رزق صیادان زیاد می‌شود. اگر شخص از محل زیارتگاه هفت قدم به سوی دریا بردارد و حاجت بخواهد، بار دیگر که به این محل بازگردد حاجتش روا گردیده است. کنار این محل، زیارتگاه الیاس هم بوده که در زمان پهلوی دوم برای گسترش باغ هتل، آن را خراب کردند (اطلاع شفاهی نگارنده از ساکنان محل، دی ۱۳۸۴).

میناب: کوهستک منطقه‌ای صیادی در شهرستان میناب است، در پایان تابستان هر سال، ده روز پیش از آغاز صید، صیادان گوسفندی تهیه می‌کنند و در زیارتگاه ابوالقاسم

خضر (ع) در باورهای ساکنان منطقه خلیج فارس / ۱۲۳

در پای کوه سیاه نزدیک کوهستک قربانی می‌کنند. همان‌جا از گوشت گوسفند غذا تهیه می‌کنند، بخشی از غذا به بالای کوه برده می‌شود که سهم زیارت ابوالقاسم است. قسمت دیگری از غذا را نیز به دریا می‌برند، چون اعتقاد بر این است که این غذا سهم خضر و الیاس نبی است و موجب افزونی رزق و روزی صیادان خواهد بود. در این زیارتگاه تنها مردان حضور دارند و زنان و کودکان اجازه ورود به این محل را ندارند.

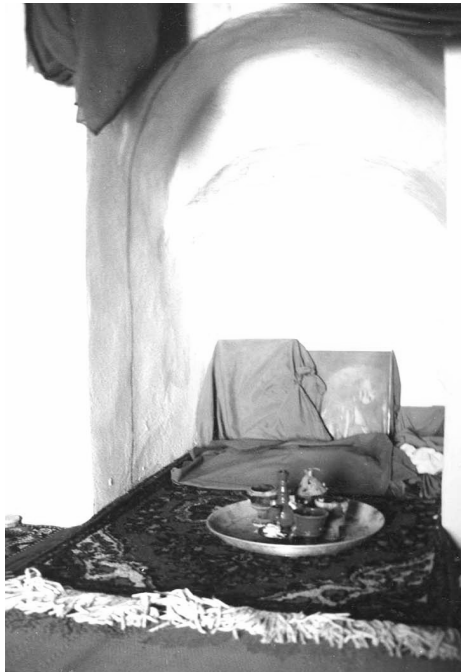
مردم میناب در زمان اجرای مراسم سوگواری سیدالشهداء نیز به خضر(ع) توجه دارند و عکمی را به یاد او برمی‌دارند. علم خضر نبی به رنگ سفید است (پژوهش‌های مردم‌نگاری میناب، ۱۳۷۴: ۷۴-۷۵).

جزیره قشم: در آبادی‌های جزیره مانند قشم، باسیدو و پی‌پشت زیارتگاه‌هایی منسوب به خضر و الیاس نبی قرار دارند که مردم محل، این اماکن را محل گذر این دو قدیس می‌پندارند. جزیره‌نشینان نیز خضر و الیاس را زنده و نگهبان دریاها و پشتیبان صیادان و ملاحان می‌انگارند. در باور عامه، خضر (ع) همه‌جا و در همه حال حضور دارد. هنگامی که دریا متلاطم می‌شود و بیم شکستن و غرق شدن کشتی‌ها و مرگ ماهی‌گیران در دریا می‌رود، زنان مردانی که به دریا رفته‌اند، در زیر چارطاقی این زیارتگاه‌ها گرد می‌آیند و دست به دعا برمی‌دارند و خضر و الیاس نبی را به یاری مردانشان می‌خوانند. هنگامی که دریا از صیادان روی برمی‌گرداند و تورهای صیادان از ماهی اندک می‌گردد، زنان به زیارت خضر یا «پاخضر» می‌روند و از او برای برکت تورهای ماهی‌گیران مدد می‌طلبند (بلوکباشی، ۱۳۸۵: ۴۹-۵۰).

جزیره هرمز: زیارتگاه خضر نبی به صورت گنبدی شکل است و در نزدیکی کارخانه سنگ‌شکن جزیره قرار دارد. مردم معتقدند خضر نبی را چندین بار در این محل در حال نمازگزاردن دیده‌اند. افراد حاجتمند به این مکان می‌روند و نیازهای خود را از درگاه خداوند طلب می‌کنند. زیارتگاه خضر در نزدیکی سنگ الیاس واقع است. سنگ الیاس در داخل دریاست و با ساحل فاصله کمی دارد (تصویر زیر).



سنگ الیاس - خلیج فارس - جزیره هرمز (در باورهای مردم الیاس خدمتکار حضرت خضر است)



قدمگاه خضر - ساحل خلیج فارس - جزیره هرمز (در باورهای مردم خضر نگهبان دریاست)
در فصل‌هایی که صید ماهی کاهش می‌یابد، صیادان گوسفندی نذر می‌کنند و به زیارت خضر می‌برند، در آنجا طواف می‌دهند و قربانی می‌کنند و از گوشت آن غذایی

خضر (ع) در باورهای ساکنان منطقه خلیج فارس / ۱۲۵

تهیه می‌کنند و به افرادی می‌دهند که برای زیارت خضر (ع) نبی آمده‌اند، سپس مقداری از گوشت گوسفند را روی سنگ الیاس می‌گذارند تا پرندگان گوشت‌خوار آن را بخورند و بدین ترتیب صید ماهی افزایش یابد. عده‌ای می‌گویند الیاس خدمتگزار خضر بوده است.

عده‌ای نیز بر این باورند که سنگ الیاس در حال رشد است و الیاس نبی خود نوک آن را می‌چیند تا زیاد بزرگ نشود و اگر روزی آب این سنگ را بپوشاند، قیامت فرامی‌رسد. (فلسفی‌میاب و دیگران، ۱۳۷۹: ۵۹ و ۶۰).

بوشهر: چند مکان زیارتی با نام «خواجه خضر» در استان بوشهر قرار دارد:
الف) قدمگاهی در کنار دریا و پشت بارانداز اداره کشتیرانی که امروزه جزو محوطه سازمان بنادر است؛

ب) قدمگاهی در بندر ریگ؛

ج) قدمگاهی در شمال قریه حاج حیدری در بندر دیلم؛

د) قدمگاهی بین روستای مظفری شمالی و جنوبی بندر دیلم.

خضر نبی در باور مردم بوشهر پیامبر جاویدان است که بر روی دریاها سفر می‌کند و غرق‌شدگان را نجات می‌دهد. نام دیگر خضر در نظر اهالی این منطقه، خضر زنده یا خواجه خضر زنده است (حمیدی، ۱۳۸۰: ۲۸۹).

علاوه بر موارد فوق باید به کارکرد آیینی «نمک خضر»^۴ نزد صیادان استان بوشهر نیز اشاره کرد. ایشان نمک خضر را نزد خود نگه می‌دارند تا روزی و صیدشان افزایش یابد (اطلاع شفاهی همکار محترم آقای علیرضا حسن‌زاده؛ نیز نک: حسن‌زاده، ۱۳۸۱: ۶۴۸).

این نکته قابل توجه است که به دلیل اهمیت جایگاه خضر نزد ساکنان منطقه خلیج فارس، در این منطقه — به ویژه در جزیره قشم، بندرعباس و بوشهر — افراد، اماکن تاریخی، محلات، روستاها و حتی کوه‌های متعددی با نام خضر وجود دارند. باید توجه داشت کاربرد نام خضر در شهرهای مرکزی ایران بسیار اندک است.

شاید بتوان یکی از معروف‌ترین نام‌های خاص در این منطقه را «قلعه زائر خضر خان»^۵ دانست که از اماکن تاریخی شهر اهرم در استان بوشهر است (اطلاع میدانی نگارنده از ساکنان محل).



بوشهر، قلعه زائر خضرخان (اهرم)

نتیجه‌گیری

خضر پیامبری است که با آب‌ها ارتباط دارد و اغلب زیارتگاه‌هایش در ایران، کنار چشمه‌ها، نهرها و کرانه‌های خلیج فارس و دریای خزر قرار گرفته است. اما در مقایسه، تعداد زیارتگاه‌ها در شهرهای کناره خلیج فارس بیشتر است. نگارنده احتمال می‌دهد ساکنان نواحی خلیج فارس «آب حیاتی» را که خضر و الیاس نبی در طلبش به ظلمات رفتند و از آن نوشیدند در آب‌های گرم مناطق جنوب به‌ویژه خلیج فارس جست‌وجو می‌کنند؛ آبی که رزق و روزی صیادان در آن نهفته است. به همین دلیل خضر، پیر دریانوردان، در هنگام طوفان بر دریا ظاهر می‌شود. از طرف دیگر جایی که خضر می‌نشیند سبزه می‌روید، بنابراین خضر با دنیای نباتی هم پیوند دارد.

خضر و الیاس کارکرد آیینی یکسانی دارند و نمادی برای نجات گم‌گشتگان‌اند و مردم منطقه بناهای یادبودی از این دو قهرمان دینی-فرهنگی در کناره‌های دریاها یا رودخانه‌ها ساخته‌اند. خضر و الیاس مقبره ندارند و زیارتگاه‌های آنان قدمگاه است؛ زیرا هر دو زنده‌اند و محل عبور آنان در کناره‌های دریا مورد احترام ساکنان است.

در پایان باید گفت که با توجه به اعتقادات مردم، تعداد زیارتگاه‌ها و نام‌های خاص افراد ساکن در نواحی خلیج فارس، خضر نبی در باورهای مردم این منطقه نسبت به مناطق کویری و خشک ایران اهمیت بیشتری دارد.

پی‌نوشت

۱. ابوریحان در کتاب *التفهیم دریای فارس* را شامل دریای عمان و خلیج فارس می‌داند (دوازده امامی، ۱۳۸۷: ۷۷).
۲. در نقاط مختلف استان هرمزگان در زمان خشکسالی، برای طلب باران مراسم «الله بده بارون» رایج است. جالب است بدانیم در ترانه‌هایی که در هنگام برگزاری این مراسم در روستای کروئیه خوانده می‌شود از پیامبر اسلام (ص) و حضرت علی (ع) استمداد می‌شود. این مطلب در مورد اعتقادات مردم در ارتباط با آب و انبیا و اولیا اهمیت ویژه‌ای دارد (بناوند، ۱۳۸۵: ۶۴-۶۹).
۳. درباره روایتی که شیخ صدوق از امام رضا (ع) درباره خضر نبی نقل نموده است، نک: دانشور، ۱۳۷۵: ۳۹.
۴. در دهستان «محمدآباد مسکون» اگر محصول کره کم باشد، مایه ماست را عوض می‌کنند و از خانه دیگری می‌گیرند و افراد آن خانه هم برای اینکه برکت از آنها دور نشود، در ازای مایه ماست نمک می‌گیرند که این نمک را متعلق به خضر می‌دانند. اگر محصول کره زیاد شود بر این باورند که خضر نظر کرده است و برایش نذری می‌دهند (دانشور، ۱۳۷۵: ۴۷-۴۸).
۵. زائر خضر خان اهرمی از شخصیت‌های مبارز ضداستعماری در دوره قاجاریه به شمار می‌آید.

کتاب‌نامه

- آموزگار، ژاله (۱۳۷۴)، *تاریخ اساطیری ایران*، تهران: انتشارات سمت.
- ابن‌اثیر، (۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م)، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱، بیروت: دار صادر.
- ابوالفتوح رازی (۱۳۱۳)، *تفسیر قرآن کریم*، ج ۳، تهران: مؤسسه مهرگی.
- اتابکی، علی (۱۳۸۱)، *مردم‌نگاری شهرستان رامهرمز*، ج ۱، تحقیق چاپ نشده، نگهداری در آرشیو پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تهران.
- بلوکباشی، علی (۱۳۷۹)، *جزیره قشم*، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بناوند، یوسف (۱۳۸۵)، *دانش قومی و فاجعه در استان هرمزگان*، تحقیق چاپ نشده، نگهداری در آرشیو پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تهران.
- حسن‌زاده، علیرضا (۱۳۸۱)، *افسانه زندگان*، ج ۲، تهران: نشر بقیعه و مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- حمیدی، سیدجعفر (۱۳۸۰)، *فرهنگ‌نامه بوشهر*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دانشور، محمد (۱۳۷۵)، *تاریخچه محله و مسجد خواجه خضر کرمان*، انتشارات مرکز کرمان‌شناسی.
- دوازده‌امامی، غلامرضا (۱۳۸۷)، «خلیج فارس یا خلیج عربی، بررسی یک جغرافیا در پیشینه تاریخی و سیاسی»، *مجله مطالعات ایرانی*، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ۷، ش ۱۳، صص ۶۹-۱۰۳.
- سازمان میراث فرهنگی استان هرمزگان (۱۳۷۴)، *پژوهش‌های مردم‌نگاری میناب*، تحقیق چاپ نشده، نگهداری در آرشیو پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تهران.
- سورآبادی، ابوبکر عتیق نیشابوری (۱۳۴۷)، *قصص قرآن مجید*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۲)، *تاریخ طبری: تاریخ الرسل و الملوک*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- طلائی‌پور، پرویز و غلامحسین شعبی (۱۳۷۹)، *مردم‌نگاری دشت آزادگان*، تحقیق چاپ نشده، سازمان میراث فرهنگی استان خوزستان، نگهداری در آرشیو پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تهران.
- فلسفی میاب، علی، با همکاری الینا رضایی و شیما رشنوادی (۱۳۸۰)، *مردم‌نگاری شهرستان آبادان*، تحقیق چاپ نشده، سازمان میراث فرهنگی استان خوزستان، نگهداری در آرشیو پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تهران.
- _____، مریم ابوالفتحی و سهراب بناوند (۱۳۷۹)، *مردم‌نگاری شهرستان قشم*، تحقیق چاپ نشده، سازمان میراث فرهنگی استان هرمزگان، نگهداری در آرشیو پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تهران.
- کیا، خجسته (۱۳۷۵)، *قهرمانان بادیا*، تهران: نشر مرکز.

خضر (ع) در باورهای ساکنان منطقه خلیج فارس / ۱۲۹

گلدی ضمیر، امان (بی‌تا)، مردم‌نگاری شهرستان چاه‌بهار، تحقیق چاپ نشده، تهیه شده در سازمان میراث فرهنگی استان سیستان و بلوچستان، نگهداری در آرشیو پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تهران.

ماسه، هانری (۱۳۵۷)، معتقدات و آداب ایرانی، ج ۱، ترجمه مهدی روشن‌ضمیر، تبریز: انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.

میرشکرایبی، محمد (۱۳۷۱)، «انسان و آب در حوزه سپیدرود»، مجموعه مقالات اولین گردهم‌آیی مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صص ۲۱۹-۲۵۴. واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران (۱۳۸۸)، تاریخچه مسجد مقدس جمکران، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.

ویلسون، سر آرنولد (۱۳۴۸)، خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

هدایت، صادق (۱۳۵۶)، نیرنگستان، تهران: انتشارات جاویدان.

یاحقی، محمد جعفر (۱۳۷۵)، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

